

ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست (از رویکردهای فلسفی تا راهبردهای حقوقی)

عزیزالله فهیمی^۱

علی مشهدی^۲

چکیده

این مقاله ضمن تحلیل و بسط دو مفهوم ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در حوزه طبیعت و محیط زیست و تطبیق آن با رویکردها و نحله های غالب فلسفه و اخلاق محیط زیست به مطالعه این بحث در حوزه حقوقی، بویژه حوزه مربوط به خسارات زیست محیطی و ارزیابی آنها پرداخته است. فرض اساسی این نوشتار بر این امر استوار است که هنوز قوانین و رویکردهای حوزه محیط زیست رنگ و بویی مبتنی بر انسان محوری دارند و از رویکردهای طبیعت محوری که انسان نیز جزئی از آن بشمار آمده، غفلت گردیده است. در نهایت برآیند این مقاله تأکید بر رویکرد انسان «طبیعت محور» (آنترو بیوسنتریک) با الهام از آموزه های اسلام در عرصه فلسفه و حقوق محیط زیست است.

کلید واژگان: ارزش ذاتی، ارزش ابزاری، رویکرد انسان محور، رویکرد طبیعت محور، حقوق محیط زیست، فلسفه محیط زیست.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱. استاد یار دانشگاه قم

۲. دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه شهید بهشتی

مقدمه

از گذشته های بسیار دور تاکنون از طبیعت و محیط زیست و جایگاه و همچنین تأثیر آن در جوامع انسانی برداشت های متعددی شده است. از جمله اینکه طبیعت به عنوان موجودی خطرناک، امری آشفته و بی نظم، «بلهوس»، به مثابه پدیده ای منظم، امری جدا از انسان، ماشین، زیبا، به صورت کالایی در خدمت انسان، ضرورت بقا و به عنوان امری مرموز و عجیب و نظایر آن ... توصیف گردیده است. (بوتکین: ۱۳۸۲، ۴-۶۳۱) در این زمینه فلسفه محیط زیست^۱ در کنار اخلاق محیط زیست^۲ مکتبی است در فلسفه که راجع به ارزش ها و چرایی مسئله حمایت و حفاظت از محیط زیست و بویژه درباره حق اشیاء و ارزش سیستم های غیر انسانی محیط و تعهد اخلاقی انسان ها نسبت به حفاظت از آن بحث می نماید. Michel LeBlanc (2002:1) ، (کانون توجه این رشته، تحلیلی اکولوژیکی از فلسفه یا تحلیلی فلسفی از مسائل اکولوژیکی (اکو سوفی)^۳ است. (Delord:2008,1-2) این رشته در نقطه مقابل مطالعات سنتی اخلاق و فلسفه که معمولاً به رابطه بین «انسان ها با هم» می پردازند قرار دارد. در این حوزه رابطه جدیدی شکل گرفته است به نام «رابطه انسان با محیط زیست» و عناصر آن که در آن سوالات چندی مطرح می گردد. از جمله اینکه غیر انسان ها در طبیعت چه ارزشی دارند؟ آیا مستقل از منافع انسانند یا وابسته به منافع انسانی هستند؟ آیا هر چیزی که برای انسان مفید است ارزشمند است یا عناصر حیات مستقل از گزاره «سود انگارانه» اند؟ آیا محیط زیست به این دلیل حفاظت می گردد که منافع انسانی به خطر افتاده و این جریان صرفاً ابزاری در جهت تأمین منافع انسانی است. (رویکرد انسان محور) یا طبیعت ذاتاً و فارغ از منافع انسانی شایسته احترام و حفاظت است. (رویکرد طبیعت محور) و در نهایت اینکه منظور از ارزش مستقل از منافع انسانی کدام است؟

این سوالات در میان فلاسفه محیط زیست بحث ها و نظریه های فراوانی را به همراه

1. Environmental philosophy/ Philosophies de l'environnement
2. Environmental ethics / L'éthique environnementale
3. Ecosophy

داشته و حتی نمود عینی ای نیز در برخی از قوانین یافته است. مقاله حاضر به برخی از جنبه‌های این مسئله پرداخته، سعی نموده است که تنها به برخی از جنبه‌های این مسئله به گونه‌ای مختصر و مفید بپردازد. براین اساس در قسمت نخست به بررسی مفهوم ارزش ذاتی و ارزش ابزاری و رویکردهای برآمده از آن و در قسمت دوم به تأثیر ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در حوزه حقوق محیط زیست پرداخته و در نهایت سعی شده است رویکردی جامع با الهام از تعالیم اسلامی ارائه شود.

قسمت نخست - مفهوم ارزش ذاتی و ارزش ابزاری و تحلیل آن در رویکردها و نحله‌های فلسفه محیط زیست

۱- مفهوم ارزش ذاتی و ارزش ابزاری

الف) - مفهوم ارزش ذاتی

منظور از «ارزش ذاتی»^۱ این است که وقتی «شیء» ای ارزش ذاتی دارد که آن شیء در برابر چیزی که ارزش آن وابسته به هدف یا موجود دیگری است قرار می‌گیرد. (بری، ۱۳۸۰: ۳۰۳) براین اساس هر شیء را باید مستقل و مجرد از همه منافع، مضار و ارزش‌های وابسته به آن ارزشگذاری نمود. «آرنه ناس»^۲ در تحلیل ارزش ذاتی و اقسام آن معتقد به دو برداشت از این مفهوم است. نخست ارزش ذاتی ای که ممکن است «تجربیدی» بوده و شیء را با «ارزشی که آنگونه هست»^۳ و خارج از هرگونه عنوان سلبی و مقایسه‌ای، ارزشمند نماید و دیگر، ارزشی که در سلب مفهوم نسبت به مالک یا اشیاء مشابه ارزشگذاری می‌شود. (Alain de Benoist, www.alaindebenoist.com/pdf/la: 3)

ب) - مفهوم ارزش ابزاری

«ارزش ابزاری»^۴ برخلاف ارزش ذاتی به این معنا است که وقتی چیزی ارزش ابزاری

1. Intrinsic value/ la valeur intrinsèque
2. Arne Naess
3. Une en valeur elle-même
4. Instrumental value/ la valeur instrumentale

دارد که ارزش و بهای خود را در انتساب به هدف یا موجود دیگری می‌گیرد. (بری: ۱۳۸۱، ۳۰۳) به عبارت دیگر در این برداشت ارزش هر شی متغییر و کاملاً وابسته به موجود ارزشگذار است.

۲- ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در حوزه محیط زیست

«تیلور»^۱ در اثر مشهور خود تحت عنوان «احترام به طبیعت» برای بیان ارزش ذاتی می‌گوید: «هرکس از گل، درخت یا درختچه ای مراقبت نموده باشد، ارزش آن را می‌داند.» (بنسون، ۱۳۸۱: ۲۶۷) در حوزه محیط زیست این مسئله به چالش کشیده می‌شود که آیا عناصر طبیعت فی نفسه دارای ارزش ذاتی و مستقل هستند یا از آن جهت ارزشمندند که انسان برای آنها ارزش قائل گردیده است. سود یا زیان را آیا صرفاً می‌توان برای هویت‌های انسانی به کار برد یا می‌توان آن را به گونه ای ویژه و فارغ از همه معیارهای اقتصادی حاکم بر جوامع انسانی که تابعی از اقتصاد بازار است به گیاهان و جانوران نیز تعمیم داد. تیلور معتقد است که هیچ موجود زنده ای ذاتاً «پست تر» یا «برتر» از دیگری نیست و تنها این تمایز هنگامی آشکار می‌شود که ما آنها را به منافع انسانی گره می‌زنیم. (همان) برای مثال وقتی گفته می‌شود «غذا برای مرغ خوب است» این خوب بودن برای خود مرغ است یا انسانی که می‌خواهد در نهایت از گوشت آن بهره مند گردد؟

براین اساس در خصوص واقعیت ارزش در فلسفه محیط زیست دو گونه برداشت وجود دارد. نخست اینکه محیط زیست به «خودی خود»^۲ و در «ذات خود»^۳ ارزشمند است و دوم اینکه از آن جهت ارزش دارد که مستقل از موجود ارزش گذار است. به عبارت دیگر در تحلیل نخست، ارزش ذاتی جنبه «تجربیدی» و در تحلیل دوم جنبه «سلبی» دارد و «طبیعت صرفاً برای طبیعت»^۴ خواسته می‌شود. (Alain: op.cit, 2) درک این موضوع خود اندکی پیچیده و بغرنج و

1. Taylor
2. Perse
3. Inherent
4. La nature pour elle-même

در عین حال مهم است. به عبارت رساتر در جنبه «سلبی»، ارزش هرچند مستقل، ولی محتوای مقایسه ای و بین الادهانی به خود می‌گیرد. چراکه در اینجا ارزش از موجود ارزش گذار جدا می‌گردد. به همین سبب جنبه «تجربیدی» ارزش فراتر و خالص تر و ناب تر و مقدم تر از جنبه سلبی ارزش است.

در مقابل از نقطه نظر اقتصاد محیط زیست، محیط طبیعی ارزشی ابزاری دارد. به عبارت دیگر فایده داری محیط زیست صرفاً تا جایی است که بتوان برای ارضای خواسته های بشری از آنها بهره برداری نمود. (بری، ۱۳۸۰: ۱۷۱) در این رویکرد جنبه های «زیبایی شناختی»^۱، «مذهبی»^۲ و «شناخت شناسانه»^۳ طبیعت فراموش می‌شود. چراکه این جنبه‌ها به هیچ وجه ارزش مادی و پولی ندارند. در تقویت و گسترش این مفهوم رقیب در محیط زیست جریان‌های تاریخی و فلسفی غرب تأثیر بسیار عمیقی نهاده‌اند که در رأس آنها می‌توان به جریان‌های امانیستی و اگزیستانسیالیستی و اندیشه های «سود انگارانه»^۴ قرون گذشته و نفوذ آنها به مسائل محیط زیست اشاره نمود.

در این جریان دو اصل به کمک این رویکرد شتافت. نخست «اصل ارزش» که براساس آن آنچه برای انسان مفید باشد، ارزشمند است و دوم «اصل آسیب» که آنچه برای انسان مضر باشد باید طرد گردد. نقطه مشترک این اصول نفی هر گونه «جایگاه اخلاقی مستقل» برای عناصری غیر از انسان است. بر همین اساس نیز همواره تحلیل های اقتصادی از عناصر محیط زیست مورد انتقاد قرار می‌گیرد که دیدگاهی مادی گرایانه و انسان محورانه (آنتروپوسنتریستی) دارند. بنسون با بیان اخلاق «بوقلمون صفت غربی» معتقد بود که انسان محوری تا چه حد موضوع توجه ما را به غیر انسان محدود نموده است. (بنسون، ۱۳۸۱، ۵۰) بعد از جنگ جهانی دوم و با شتاب روز افزون دست اندازی انسان بر محیط زیست، جریان نگاه ابزاری به محیط

1. Esthétiques
2. Religieuses
3. Epistémiques
4. Utilitariste

زیست مورد انتقاد قرار گرفت و کسانی مانند «آلدو لئوپولد»^۱ بر لزوم شکل گیری اخلاقی جدید تحت عنوان «اخلاق زمین» که در آن رابطه انسان و محیط زیست را اخلاقی می کند تأکید نمودند. (Ibid)

۳- ارزش‌ها در رویکردهای فلسفه محیط زیست

در کنار رویکردهای متعددی که در حوزه محیط زیست مطرح گردیده است دو نوع رویکرد در تحلیل فلسفه محیط زیست غالب است. نخست رویکرد انسان محور که طبیعت و محیط زیست را به منافع انسانی پیوند می زند و غالباً طبیعت، ارزش ابزاری دارد و دیگر رویکرد طبیعت محور که بانقد الگوی نخست برای طبیعت و عناصر آن ارزشی مستقل قائل است.

الف) - رویکرد طبیعت محور^۲

اگر در رویکرد انسان محور «طبیعت» عنصری وابسته و تبعی محسوب می شود و در نهایت به منافع انسانی گره می خورد، در این رویکرد طبیعت و محیط زیست «ارزش ذاتی» دارد. در این رویکرد به هیچ وجه انسان و مسائل و منافع مادی وی مطرح نیست. بلکه طبیعت، فی نفسه و به خودی خود ارزشمند است. این رویکرد ما را فارغ از مضار یا منافع آن و می دارد که هر دو حوزه محیط زیست طبیعی و انسانی را حفاظت نموده و ارج نهیم. طبیعت نه از آن جهت که منافع انسانی به خطر افتاده، آلودگی ها و مخاطرات گسترش یافته شایسته احترام و حفاظت است، بلکه فارغ از همه اینها طبیعت به خودی خود شایسته احترام خواهد بود. هرچند این رویکرد در سالیان اخیر از سوی فلاسفه محیط زیست مورد تأکید قرار گرفته و سعی شده است این دیدگاه قانونی گردد، لیکن باید توجه داشت که از لحاظ مطالعه «تاریخ فلسفه محیط زیست»^۳ تئوری های مربوط به ارزش ذاتی طبیعت جنبه نوینی نداشته و می توان زمینه های آن را در اندیشه های یونان باستان و فلسفه اسلامی یافت.

1. Aldo Leopold
2. Biocentric/ Biocentrism
3. Histoire de la philosophie de l'environnement

(بوتکین ۱۳۸۲، ۶۲۸) در تئوری‌های غیر انسان محور در زمینه ارزش ذاتی طبیعت^۱ دو جریان فلسفی متفاوت قابل توجه است که نخستین آن مربوط به نظریه «عینی» تیلور و دیگری نظریه «ذهنی» هلمز رولستون سوم^۲ است. نظریه نخست که بیشتر برخاسته از رویکردی کانتی از مسئله ارزش در محیط زیست است، معتقد است که مطابق قواعدی جهانشمول و انسانی آدمی باید «اخلاقاً» به طبیعت احترام بگذارد. در مقابل در برداشتی ذهنی، طبیعت دارای ارزشی مستقل از فعالیت‌های انسانی است. در این برداشت ما غالباً از عنوان «ارزش درونی»^۳ اخلاقی به جای «ارزش ذاتی»^۴ صحبت می‌نماییم. این برداشت به دلیل تناقض‌های موجود در نظریه و نزدیکی آن با بنیان‌های نظری رویکرد انسان محور مورد انتقاد قرار گرفته است. (Alain: op.cit, 6) دسته دیگری از متفکرانی که بر رویکرد طبیعت محور تأکید دارند، معتقدند که اخلاق صرفاً تنظیم رابطه انسان با انسان و یا با خدا نیست بلکه این رابطه باید به فراتر از انسان نیز گسترش یابد، این رابطه باید به رابطه اخلاقی جهان طبیعی غیر بشری (محسوسات و جمادات) نیز پیوند بخورد.

ب- رویکرد انسان محور^۵

در این رویکرد هدف از محیط زیست نه برای «محیط زیست» بلکه در واقع حمایت از انسان و منافع انسانی است. این شخص انسانی است که ارزش دارد و تنها علایق یا اهداف انسانی هستند که موضوع داوری اخلاقی قرار می‌گیرند. در این رویکرد برداشتی ابزاری از مسئله محیط زیست قوی است. به گونه‌ای که حمایت، پاکسازی و بهبود «محیط زیست انسانی» از اولویت اساسی نیز برخوردار است. امری که آلن آن را «انسان محوری ابزاری»^۶ می‌نامد. (Alain: op.cit, 8) این رویکرد در حفاظت از محیط زیست به دنبال این است که

1. Les théories non anthropocentriques de la valeur intrinsèque
2. Holmes Rolston III
3. Valeur inhérente
4. Valeur intrinsèque
5. Anthropocentric approach/ Anthropocentrism
6. L'anthropocentrisme instrumentalisateur

صرفاً «انسان» بتواند در یک محیط سالم رشد کند و محیط او در برابر آلودگی ها، آفات، خسارت ها و آسیب ها حفظ گردد. ریچارد روتلی به دنبال طرح مفهوم «آخرین انسان» انسان محوری را در تفکر فلسفی غرب «شوینیسم انسانی» می نامد و نیاز به شکل گیری اخلاقی جدید را متذکر می گردد.

در زمینه نقد دو دیدگاه فوق علاوه بر مسائلی که در مفهوم ارزش به اختصار اشاره شد، فلاسفه ای نظیر فاکس با ایده «همزاد پنداری»، آرنه ناس^۱ با طرح مفهوم «اکوسوفی» یا فلسفه بوم شناسی عمیق، جان انیل با نظریه «شهوت چشم»، هیپورن با نظریه حیرت، مک کی با «نظریه بازی ها»، جمیز لاولاک با نظریه معروف «گایا»، هاردین با مقاله جنجالی «تراژدی منابع عام»، دیوید پیرس با «نظریه اقتصاد سبز»، پاسمور با کتاب «مسئولیت انسانی در قبال طبیعت»، هوارت با «بررسی پدیدار شناختی ارزش»، راشل کارسون با کتاب «بهار خاموش»، پل ارلیش با «بمب جمعیت»، نورتون با طرح رویکرد فرهنگی به «زیست شناسی حفاظت» و با طرح مثال معروف و تأثیر برانگیز دلارهای شنی، لئوپولد با طرح مفهوم «اخلاق زمین»، ریچارد و وال روتلی^۲ با طرح «شوینیسم انسانی» در نقد فلسفه انسان محور غرب و همچنین کتاب معروف «آخرین انسان» و آلبرت شوایتزر^۳ و فلاسفه مدرن و پست مدرنی نظیر مارکوزه در «رهایی از طبیعت» و انسان تک ساحتی، ارنست شوماخر با کتاب معروفش تحت عنوان «کوچک زیباست»، بوکچین با طرح اصول بوم شناسی اجتماعی در کتاب معروفش تحت عنوان «آنارشسیسم پس از کمیابی» رودلف باهرو در «سوسیالیسم و بقا» با تأکید بر تقدم و ضرورت حفظ محیط زیست به جای مبارزه طبقاتی، یورگن هابر ماس در مکتب فرانکفورت و نقد نوین نظام سرمایه سالار و اخیراً نیز کسانی مانند بیل مک گین با کتاب «پایان طبیعت»، آنا تول لیون با «پایان غرب» و جان بلامی فاستر و دیگران به زوایای مختلف مسئله ارزش ها در محیط زیست پرداخته اند. (بری، ۱۳۸۱ و بنسون، ۱۳۸۲) (Baird Callicott, 1995). تحلیل هریک از

1. Arne, Naess
2. Richard and Val Routley
3. Albert Schweitzer

این نظریات، خود مقاله جداگانه ای را می‌طلبد.^۱ لیکن به اختصار در بیان مسئله محوری نظریات می‌توان گفت که رویکرد غالب نظریات فوق مبتنی بر انتقاد از نحوه برخورد و همچنین نوع رابطه انسان با طبیعت استوار است. طبیعتی که همواره از آن و ارزش‌ها یش غفلت شده است.

۴- ارزش‌ها در نحله های فلسفه محیط زیست

تمایز در نوع رویکردها منجر به تمایز در شکل بندی گروه‌ها نیز گردیده است. در فلسفه سیاسی محیط زیست دو نحله متقابل شکل گرفته است که مبنای معرفتی آنها در نوع نگاه، تحلیل و ارزشگذاری محیط زیست حائز اهمیت است.

الف) - سبز تیره : سبز تیره تندروترین گرایش در حفاظت از محیط زیست محسوب می‌شود. این گروه‌ها عموماً طرفدار ارزش ذاتی طبیعت بوده و یا حداقل در توجیه آراء و اندیشه های خود از این تئوری بهره می‌جویند. این گروه که اندیشه های آنان به «بوم شناسی ژرف» یا «اکولوژیست های عمیق»^۲ پیوند می‌خورد به دنبال تغییر روابط انسان با طبیعت هستند. در این رویکرد رابطه انسان و طبیعت یک رابطه یکسویه، نابرابر و مبتنی بر استثمار، نقد می‌گردد. بر این اساس معضل محیط زیست و تباهی های ناشی از آن برآمده از معایب ناشی از مناسبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موجود در جوامع انسانی و نحوه تعامل و نوع رویکرد آنان با طبیعت و محیط زیست نهفته است. این رویکرد تا حدودی به عنوان واکنشی در برابر کارکردهای ویرانگر جوامع غربی و همچنین به مثابه پاسخ به آگاهی های روزافزون زیست محیطی شکل گرفت و توسعه یافت. گاندی معتقد بود که «مسائل محیط زیست مسائلی صرفاً تکنیکی و فنی نیستند بلکه مسائلی اجتماعی هستند که ناشی از نادیده گرفتن ارزش های واقعی انسانی است.» (مجنونیان، ۱۳۸۵) سبزه های تیره که اصولاً در گروه های چپ و پست

۱. جهت آشنایی تفصیلی با رویکردهای فلسفی حوزه محیط زیست و اندیشه وران این حوزه؛ علاوه بر منابع فارسی مورد اشاره در متن بنگرید به مجله «کوسوفی» و مقالات تحلیلی و رایگان آن در آدرس ذیل:

The Trumpeter: Journal of Ecosophy , at: <<http://trumpeter.athabascau.ca/>>

2. Deep ecologist/ l' ecologist profonde

مدرن قرار می‌گیرند، معتقد به تغییرات عمیق در مناسبات اقتصادی و اجتماعی و نوع رویکرد انسان به محیط زیست و مواهب طبیعی هستند. در این اندیشه سرمایه داری به گونه ای فعالیت می‌کند که برای رسیدن به سود حد اکثر و انباشت سرمایه همه چیز را نابود می‌کند. (جان بلامی فاستر، ۱۳۸۲) در این فرآیند کاپیتالیسم با سوسیالیسم نیز هم داستان شده و کاپیتالیست‌ها در رسیدن به حداکثر سود و سوسیالیست‌ها نیز در رقابت با قطب مخالف به محیط زیست آسیب زدند.^۱

ب) - سبز روشن: سبز روشن یا به قول آرنه ناس اکولوژیست‌های سطحی برخلاف سبزه‌های تیره، قشر محافظه‌کار اکولوژیست‌ها هستند. در این نحله غالباً طبیعت و عناصر آن مسائلی هستند که فارغ از چگونگی بودن آنها^۲ (واقعیات) ناگزیر باید ارزش‌گذاری و داوری گردند. این اندیشه، اکولوژیست‌های عمیق یا سبزه‌های تیره را تحت عنوان انسان‌هایی که «واعظان موعظه‌های مسیحانه» هستند، غیرواقعی و خیالی ارزیابی می‌کنند که بدون توجه به واقعیات روابط و مناسبات اقتصادی و اجتماعی ابراز می‌گردند و غالباً آنها را متهم به واپسگرایی و نفی دستاوردهای انسانی می‌کنند. (مجنونیان، ۱۳۸۵) سبزه‌های روشن معتقدند که ما نمی‌توانیم دنیا و روابط آن را تغییر دهیم و پایه‌ها و مناسبات اجتماعی بر این طریق شکل گرفته است. لذا این رویکرد به جای «آرمان» به دنبال «واقعیت» و به جای «مبارزه» و مقابله به دنبال «مدیریت» مسائل زیست محیطی است. بر این اساس این رویکرد نه به دنبال «آرمان‌شهر زیست محیطی»^۳ است و نه می‌خواهد دستاوردهای انسانی را نفی کند. در این گروه غالباً پراگماتیست‌ها و تکنوکرات‌ها جای می‌گیرند.

۱. هرچند در اندیشه سوسیالیستی از جمله در آراء سن سیمون و پرودن هرگونه استثمار در رابطه میان انسان با انسان و «انسان با طبیعت» نفی می‌شود اما در عمل و در دوران جنگ سرد این گروه نیز در عرصه رقابت با سرمایه داری به محیط زیست آسیب زدند

2. Fact
3. Value
4. Ecoutopia

قسمت دوم- ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در حوزه حقوقی

اختلاف در ارزش ذاتی و ابزاری محیط زیست از فلسفه به‌سوی مسائل حقوقی نیز کشانده شده است. بویژه در تدوین قوانین زیست محیطی و علی‌الخصوص آنجا که خساراتی بر محیط زیست وارد و مسئله جبران خسارات مطرح می‌گردد.

۱- رویکرد قوانین و مقررات زیست محیطی

اصولاً قوانین زیست محیطی انسان محورند و معمولاً در هر جا که در قوانین از اصطلاح طبیعت و محیط زیست نیز بهره جسته‌اند آن را به منافع انسانی گره زده‌اند و این مسئله بزرگترین نقصان فلسفی حقوق محیط زیست در قرن حاضر محسوب می‌گردد.

الف)- در اسناد بین‌المللی

در سطح بین‌المللی و در برخی از اعلامیه‌ها و اسناد بین‌المللی به زمینه‌های توجه به ارزش ذاتی و ابزاری طبیعت اشاره گردیده است. در مقدمه اعلامیه استکهلم با تأکید بر انسان و رفاه وی می‌خوانیم که «انسان مخلوق و شکل‌دهنده محیط زیست خود است. محیطی که به وی بقای فیزیکی، فرصت رشد معنوی (اخلاقی، اجتماعی و روحی) عطا می‌کند... حمایت از محیط‌زیست انسان و بهبود آن موضوع مهمی است که بر رفاه افراد و توسعه اقتصادی در سراسر جهان اثر می‌گذارد. این آرزوی مبرم همه افراد سراسر دنیا و وظیفه همه دولت‌ها است.» همچنین اصل نخست اعلامیه ریو به‌صراحت این مسئله را یاد آوری می‌کند که «انسانها» موضوع اصلی هر گونه توسعه هستند و برخورداری از سلامت و توانایی‌های جسمی و روحی جزو حقوق انسانها در انطباق با طبیعت است.

تقریباً در بخش «مقدمه» غالب کنوانسیون‌های بین‌المللی مرتبط با محیط زیست نیز بر ارزش ذاتی محیط زیست و عناصر آن تأکید گردیده است. از جمله مقدمه کنوانسیون رامسر^۱ راجع به تالاب‌های مهم بین‌المللی با بیان اینکه «...تالاب‌ها از نظر اقتصادی و فرهنگی و علمی

1. Convention sur les zones humides adoptée à Ramsar (Iran.1971)

وتفریحی منبع پر ارزشی هستند که انهدام آنها «جبران ناپذیر» است...»، هرچند این متن کاملاً مبین ارزش ذاتی در همه عبارات آن نیست ولی تأکید بر جبران ناپذیر بودن و ارزش های فرهنگی محیط زیست خود مبین حداقل رویکرد تلفیقی است. کنوانسیون سایتس^۱ راجع به تجارت بین المللی گونه های جانوران و گیاهان وحشی که در معرض خطر انقراض و نابودی هستند با اعلام اینکه حیوانات و گیاهان وحشی جزء «غیر قابل جانشین» طبیعت هستند مقرر می دارد: «... با شناخت آنکه حیوانات و گیاهان وحشی با گونه های متنوع و زیبای خود جزء غیر قابل جانشینی از سیستم های مختلف طبیعی کره زمین را تشکیل می دهند، که بایستی برای نسل حاضر و نسل های آینده حفظ و نگهداری گردد و با آگاهی به ارزش روزافزون حیوانات و گیاهان وحشی از جنبه های زیبایی، علمی، فرهنگی، هنری، تفریحی و اقتصادی...»، کنوانسیون تنوع زیستی^۲ نیز صراحتاً بر «ارزش ذاتی» تنوع زیستی تأکید نموده و آن را به عنوان مسئله تمامی بشریت دانسته است. «... با آگاهی از ارزش ذاتی تنوع زیستی و ارزش های اکولوژیکی، ژنتیکی، اجتماعی، اقتصادی، علمی، آموزشی، فرهنگی، بازآفرینی و زیبایی شناسانه تنوع زیستی و اجزای آن، و نیز با آگاهی از اهمیت تنوع زیستی برای تکامل و حفاظت از سیستم های حفظ حیات، با تأیید اینکه حفظ تنوع زیستی مسأله تمامی بشریت است...» همچنین این امر در مقدمه کنوانسیون ۱۹۷۹ بن در خصوص حفاظت از گونه های مهاجر، کنوانسیون ۱۹۸۵ وین برای حفاظت از لایه ازن، کنوانسیون ۱۹۹۲ سازمان ملل متحد در خصوص تغییرات آب و هوایی نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

ب- در حقوق داخلی
در حقوق ایران نگاه اجمالی به قوانین موجود بیانگر آن است که قوانین ایران که برگرفته از برداشت های دینی و مذهبی و اعتقادات عمیق مردم این سرزمین است، با نگاه ارزش ذاتی

1. Convention sur le commerce international des espèces de faune et de flore sauvages menacées d'extinction(Washington, 1973).
2. Convention sur la diversité biologique(Rio de Janeiro, 1992)

به محیط زیست «می تواند» سازگار باشد. به عبارت دیگر برخی از قوانین و مقررات ایران ظرفیت تقویت رویکرد ذاتی را در خود دارند. در اصل پنجاهم قانون اساسی می خوانیم که «در جمهوری اسلامی، حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل های بعد باید در آن حیات اجتماعی روبه رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می گردد. از این رو فعالیت های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست و یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند ممنوع است.»

در این اصل، آیا کلمه «نسل» را با توجه به قرینه (..حیات اجتماعی رو به رشد..) نمی توان به نسل های گیاهی و حیوانی نیز تعمیم داد؟ ثانیاً تأکید بر حیات اجتماعی روبه رشد به معنای پرهیز از انحصار منابع طبیعی به نسل موجود و رعایت «عدالت بین نسلی»^۱ است و مهم تر اینکه کلمه «روبه رشد» قطعاً رشد مادی و فیزیکی را مد نظر ندارد بلکه رشد معنوی انسان ها را هم در نظر می گیرد. رشدی که باید پایدار و در انطباق با طبیعت و عناصر آن باشد که می توان آن را به وظایف دولت اسلامی در بند ۱ اصل سوم قانون اساسی پیوند داد. امری که در قوانین اساسی بسیاری از کشورها مغفول مانده است. در اصل ۴۵ قانون اساسی نیز که به محیط زیست به عنوان «انفال» می نگیرد؛ مطابق تعالیم اسلامی ابتدا انفال متعلق به خدا و پیامبر^آ و امامان معصوم و سپس به نواب آنها (فقهای جامع الشرایط و ولی فقیه) می رسد. در قسمت اخیر اصل مذکور نیز تأکید گردیده است: «انفال... در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید.»

بنابراین مواهب طبیعی ذکر شده در این اصل باید بر طبق مصالح عامه بهره برداری گردد و این مصالح نیز چیزی جز اهداف مقرر در قانون اساسی (اصل سوم) که صرفاً مصالح مادی انسانها را در نظر نمی گیرد نیست، بلکه با نگاهی غیر فردی و غیر ابزاری به این مواهب طبیعی به نوعی بر ارزش ذاتی این مواهب صحنه می گذارد. شاید اینگونه استدلال شود که «مصالح عامه» مبین تأکید و تأیید ارزش ابزاری طبیعت در قانون اساسی است. لیکن با دقت نظر در

1. Intergenerational equity

۲. سوره انفال آیه (۱)

مفهوم مصالح عامه در گستره «زمان» و قلمرو شمول لفظ «عامه» به نسل های حاضر و آینده می توان به رویکردهای تلفیقی از این متون دست یافت.

در قوانین و مقررات عادی نیز که منشعب از دیدگاه قانون اساسی است و معمولاً مشمول سیستم کنترل مقرر در قانون اساسی میگردند، رویکردهای متعددی اتخاذ گردیده است. در حوزه «محیط زیست انسانی» معمولاً هدف اولیه حمایت از محیط زیست انسانی در اولویت قرار دارد برای مثال در ماده ۱ قانون تأسیس شورای عالی معماری و شهرسازی هدف از تأسیس این شورا ایجاد محیط زیست بهتر «برای مردم» توصیف گردیده است. لیکن در حوزه «محیط زیست طبیعی» به ارزش های ذاتی و طبیعی محیط زیست توجه ویژه گردیده است. (از جمله مواد ۱ و ۶ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و آیین نامه اجرایی آن، قوانین برنامه ای از جمله ماده ۱۰۴ قانون برنامه سوم، قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع و...)

در حقوق فرانسه، در حوزه محیط زیست طبیعی تلاش های زیادی برای توسعه و تقویت رویکرد طبیعت محور از جمله در مقررات مربوط به بخش های «فضاهای طبیعی»^۱ و محیط زیست شامل «سواحل» «پارک های ملی» و «ذخیره گاه های طبیعی»^۲ و همچنین «حمایت از گیاهان و جانوران» صورت گرفته است. (Chantal Cnsde et al, 2008: 282) در منشور اخیر التصویب محیط زیست^۳ نیز که به عنوان «منشور سوم حقوق»^۴ از سوی برخی از حقوق دانان در فرانسه توصیف گردید، اقدام به شناسایی و ارتقاء حق بر محیط زیست به سطح قواعد حقوق اساسی شد. در این متن رویکرد انسان محوری آن مورد انتقاد برخی از حقوق دانان قرار گرفته است. (Priour et Jegouzo: 2008) هر چند به نظر ما نمی توان به قطع حکم

1. Espaces naturels
2. Réserves naturelles
3. Chart constitutionnelle de l'environnement. Loi constitutionnelle n° 2005-205 du 1er mars 2005 relative à la Charte de l'environnement (J.O n° 51 du 2 mars 2005 page 3697)
4. Troisième déclaration de droits

نمود که منشور و فلسفه طرح آن در حقوق فرانسه برآمده از رویکردی «انسان محور» است ولی منشور رنگ و بویی انسان محور دارد. به عبارت رساتر رویکرد انسانی بر این منشور غالب است. در این منشور دو بار از واژه «مردم»^۱ پنج بار از واژه «انسان»^۲ شش بار از واژه «شخص»^۳ انسانی استفاده شده است. در مقابل در هر جا که از اصطلاح طبیعت و محیط زیست بهره جسته است، آن را به منافع انسانی گره زده است و تنها می توان گفت که در قسمت اخیر ماده (۹) به نوعی تأکید بر رویکرد طبیعت محور دارد. (Roche, 2006:35)

۲- خسارات وارد شده بر محیط زیست

نمود عینی دیدگاه فلسفی «ارزش ذاتی» و «ارزش ابزاری» در حوزه حقوقی را می توان در مقوله جبران خسارات وارد بر محیط زیست مشاهده کرد. چرا که در ورود خسارات وارد بر محیط زیست که امروزه اجتناب ناپذیر می نماید مسئله جبران خسارت وارد شده مطرح می گردد.

در این صورت هرگاه قائل به ارزش ابزاری باشیم ارزیابی خسارات ساده خواهد بود. لیکن در صورت توجه به ارزش ذاتی، مسئله کمی بغرنج می نماید. در واقع این وضعیت ناشی از دو امر متفاوت «ضرورت جبران خسارات» و «حفظ ارزش های» اکولوژیکی، ژنتیکی، اجتماعی، مذهبی و زیبایی شناسی مواهب زیست محیطی است. در این خصوص چند مسئله حائز اهمیت است:

۱- اصولاً مقرراتی که براساس دیدگاه ارزش ابزاری تدوین گردیده است، همه متکی بر این محور است که چون طبیعت محل زندگی انسان ها است امکان استفاده بهینه از آن به خطر می افتد. بنابراین باید قائل به اخذ خسارت از وارد کننده زیان به طبیعت شد تا این امر از یک طرف حربه ای بر علیه سوء استفاده کنندگان و تخریب کنندگان محیط زیست قرار گرفته و از طرف دیگر محیط زیست به نحو مطلوب تری حفاظت گردد.

۲- بهترین و کامل ترین طریق جبران خسارات وارد بر محیط زیست اعاده وضع به حالت

1. Peuple
2. Homme
3. Personne

سابق است پرداخت ضرر و زیان وارد شده، براین اساس دادگاه‌ها با توجه به ارزش مواهب طبیعی باید تا آنجا که ممکن است از میان اقسام روش‌های جبران خسارت از روش اعاده وضع به حالت سابق استفاده نمایند.

۳- در صورت عدم امکان جبران خسارت از طریق اعاده وضع به حالت سابق مسئله الزام به پرداخت ضرر و زیان وارد شده که راه حل ثانوی جبران خسارت است مطرح می‌گردد، که در اینجا تعیین میزان غرامت در رویه‌ها و اسناد بین المللی تابع اصول پرداخت غرامت «عادلانه»، «مناسب»، «متعارف»، «معقول» و «کامل» است که باتوجه به مکانیزم‌های بازار از جمله قیمت مواهب زیست محیطی در بازار، ارزش اقتصادی متناسب به مواهب زیست محیطی، تمایل افراد به پرداخت هزینه و روش هزینه جایگزینی صورت می‌گیرد. (ترنر، ۱۳۷۴: ۹۴)

۴- در غالب موارد خسارات وارد شده بر محیط زیست به دلیل ویژگی‌های خاصی نظیر «پیچیده و فنی بودن»، «گسترده‌گی»، «یکپارچگی»، «عدم قطعیت» و «دیر پایی» امکان جبران خسارات را به صورت کامل سلب می‌کند. این نکات در نظریه مشورتی دیوان بین المللی دادگستری در خصوص مشروعیت استفاده از سلاح‌های هسته‌ای مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین این مشکل در قضیه معروف تریل اسملتر نیز بروز کرد. در این قضیه مشکل تعیین دقیق خسارات بویژه در خصوص میزان خسارات ناشی از باران‌های اسیدی وجود داشت. (زمانی، ۱۳۸۱: ۲۸) همین مشکل در قضیه آسیب‌های وارد شده در جنگ نفت ۱۹۹۱ در خصوص خسارت زیست محیطی نیز بروز کرد و «کمیسیون غرامات سازمان ملل متحد» مقرر نمود که:

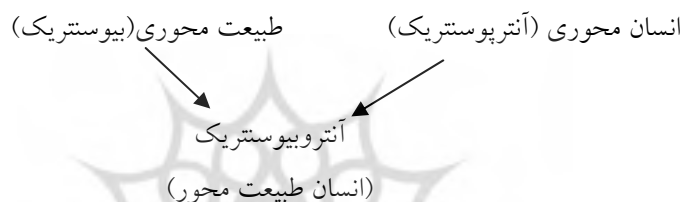
«چون ممکن است میزان خسارات وارد شده بر محیط زیست تا فوریه ۱۹۹۴ کاملاً مشهود نشود یا مطالعات و بررسی‌هایی که به منظور ارزیابی خسارات لازم است، نیازمند مدتی طولانی تر باشد، شورای مدیریت مهلت ثبت دعاوی ناشی از آسیب به محیط زیست را به مدت ۳ سال تمدید کرده است.»

بنابراین باتوجه با این ویژگی خسارات وارد شده بر محیط زیست «استثنائاً» می توانستند دعاوی را تا اول فوریه ۱۹۹۷ نزد کمیسیون به ثبت برسانند. (کزازی، ۱۳۷۲: ۸۷)

قسمت سوم - بسوی رویکردی جامع

۱- محتوای نظریه

در تعامل میان دو ارزش ذاتی و ارزش ابزاری در فلسفه محیط زیست نظریات بینابینی بسیاری ارائه گردیده است. (بری، ۱۳۸۱ وینسون، ۱۳۸۲) تفکر «کل نگر»^۱ رویکردی است که می تواند میان ارزش های طبیعت و منافع انسانی تعادل برقرار نماید.



براین نظریه اصل «وحدت زیست محیطی»^۲ حاکم است. به این معنا که در روابط میان انسان و محیط زیست نمی توان صرفاً به منافع یکی به جای دیگری اندیشید. در این نظریه انسان جزئی از طبیعت و طبیعت نیز جزئی از انسان است. منافع یکی به منافع دیگری و بالعکس ختم می شود. به عبارت دیگر در محیط زیست «هر چیز» بر «همه چیز» تأثیر دارد. جهان متشکل از موجوداتی وابسته به هم است نه مجموعه ای از اشیاء یا «انسان های» منفرد. هر موجودی در طبیعت دارای شکل درونی خاص خود، خود انگیختگی، صدا، توانایی برای اظهار خود و در روابط جزء به جزء بخشی از کائنات است. (بیری، ۱۳۸۵: ۱۴۹) بر این اساس است که دستورهای اخلاقی و مذهبی مسئولیت نوینی را برای انسان در جهت حفاظت از محیط زیست در نظر می گیرد. مسئولیتی که انسان را نه «مالک»^۳ بلکه «مدیر»^۴ ی قرار می دهد

1. Holistic
2. Environmental unity principle
3. Propriétaire
4. Gestionnaire

که باید آن را به نحو مطلوب اداره نماید. (Kiss, 2004:13) در آموزه های مذهبی و اسلامی نیز میان واقعیت و ارزش آشتی بی بدیلی ایجاد گردیده است. به این معنا که ضمن توجه به ارزش ذاتی طبیعت و محیط زیست به عنوان نشانه ای از نشانه های قدرت و عظمت حق تعالی به لزوم بهره مندی صحیح «انسان» از مواهب طبیعی تأکید گردیده است و انسانها را در این مسیر به تفکر در آنها دعوت نموده است.

۲- تطبیق آن با آموزه های اسلامی

در آموزه های اسلامی عناصر طبیعت نظیر آب، هوا، درختان، گیاهان و جانوران جایگاهی ویژه دارند. در واقع قبل از طرح مسائل مربوط به رابطه «انسان با محیط» به عنوان فلسفه ای جدید (اکوسوفی) در غرب و در مقابل فلسفه های سنتی (فیلسوفی)، ادیان آسمانی از جمله اسلام به این رابطه نیز توجه نموده بودند.

اسلام، محیط زیست را واحدی غیر قابل تجزیه در نظر می گیرد و بین انسان و محیط زیست در جهان هستی، جدایی قائل نیست. این رویکرد ریشه در جهان بینی توحیدی دارد، یعنی جهان و آنچه در اوست ماهیت «ازاوی» (انالله) و به «سوی اوی» (انا الیه راجعون) دارد. (فتحی و اجارگاه و دیگران: ۲۱، ۱۳۸۲) طبیعت و محیط زیست در عین حال که در اختیار انسان به عنوان خلیفه الهی در زمین قرار داده شده است، به عنوان نشانه ای از قدرت و عظمت الهی توصیف شده که این «خلیفه» را آن گونه که شایسته اوست نسبت به آنها متعهد می نماید. (Dalil Boubakeur, 2001:3-8) در آیات بسیاری از قرآن به این مسئله توجه گردیده است. از جمله در آیه ۱۱۵ سوره مومنون خلقت انسانها و تمامی موجودات عالم از جمله مظاهر محیط زیست بر اساس تدبیر و هدفی می باشد:

«آیا می پندارید که شما را بیهوده آفریده ایم و شما به سوی ما باز نمی گردید.» (مومنون، ۱۱۵) در آیات دیگری صریحاً به منع فساد دستور می دهد:

«در زمین پس از اصلاح، فساد و تباهی ننمایید.» (اعراف، ۵۶)

به دلالت برداشت بعضی از مفسران می توان تخریب محیط زیست را از مصادیق بارز فساد انگیزی در روی زمین دانست. (القرطبی، ۱۴۰۵: ۲۲۶) در آیه دیگری باز بر ممنوعیت فساد بر روی زمین تأکید نموده است:

« هرگز در زمین دنبال فساد نباش که خداوند مفسدان را دوست ندارد» (قصص، ۷۷)

آیه شریفه از حرام بودن فساد در روی زمین سخن می‌گوید و در این که منظور از فساد چیست نظرهای چندی ارائه شده است. مفسر معروف زمشخری بیان می‌دارد که منظور از فساد در زمین ظلم و ستم جاری در آن است. (زمشخری، ۱۴۰۷: ۴۱۳) اما به نظر مرحوم علامه طباطبایی «فساد هر نوع مصیبت و بلایی است که نظام آراسته و صالح جاری در عالم را بر هم زند و تفاوتی نمی‌کند که مستند به سوءاختیار آدمیان نظیر جنگ، ناامنی از قبیل حوادث طبیعی مانند زلزله، خشکسالی و قحطی ... باشد یا خیر» (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۹۵) بنابراین فساد در این آیه شامل هر نوع تصرف نا بجای انسان‌ها در طبیعت می‌گردد که از نظر قرآن کریم ممنوع و حرام است؛ زیرا که استفاده از محیط زیست می‌باید هدفمند و ارزشمدار باشد.

در روایات نیز با نگاهی اجمالی می‌توان این مبنا را تحصیل کرد که معروف‌ترین روایت در این باب روایت ذیل از علی (ع) است:

«از خدا بترسید درباره بندگان و شهرهای او زیرا که در قیامت مورد سؤال واقع می‌شوید از همه چیز حتی در مورد اماکن و حیوانات.»^۱

روایت فوق به روشنی این مطلب را می‌رساند که صرف استفاده ابزاری از محیط زیست و حیوانات در مکتب تعالی بخش اسلام مردود است و تصریح می‌نماید که انسان‌ها حتی در مورد اماکن و موجودات زنده مورد سؤال واقع می‌شوند. در جای دیگر بر این نکته تأکید می‌ورزد که حاکم اسلامی موظف به استفاده مناسب و صحیح و نه هدف کسب منفعت مادی است. «ای مالک بیشترین توجه تو در عمران زمین باشد تا اینکه به فکر اخذ مالیات از مردم باشی»^۲

شکار تفریحی در روایات و فتاوی فقیهان شیعه نیز فعل حرامی، که موجب تمام بودن نماز شکارچی می‌گردد اعلام شده است.

۱. «اتقوا الله فی عباده وبلاده فانکم مسئولون حتی عن البقاع والبهائم»

۲. «ولیکن نظرک فی عماره الارض ابلغ من نظرک فی استجلاب الخراج»

زراره از امام صادق (ع) در مورد شکسته یا تمام بودن نماز صیادی که برای تفریح به شکار می‌رود پرسید. امام صادق فرمود که نماز وی شکسته نیست: «انما خرج فی لهُو لا یقصر» و دلیل شکسته بودن آن به این خاطر است که برای لهُو (تفریح) به شکار می‌رود و نمازش تمام است. (شیخ حر عاملی، ۱۴۰۹: ج ۵، باب ۸ ح ۲) بنابراین شکار تنها برای رفع نیاز و ارتزاق صیاد مجاز اعلام گردیده و در صورتی که صیادی با طی مسافتی لازم بخواهد نماز خود را شکسته به جا آورد و این شکار به خاطر تفریح باشد، بدلیل اینکه مرتکب فعل حرام گردیده نماز را نه شکسته، بلکه به خاطر سفر معصیت باید تمام به جا آورد.

نتیجه گیری

مسئله واقعیت «ارزش» در فلسفه، اخلاق و اقتصاد محیط زیست از بحث برانگیز ترین و جدیدترین مباحث این حوزه است. این مسئله هنگامی بغرنج می‌شود که وارد مباحث حقوقی شده و جنبه های عینی و بیرونی یابد. (به ویژه در خصوص موضوع جبران خسارات زیست محیطی) آنچه گذشت مقدمه ای مختصر از رویکردهای فلسفی مربوط به ارزش ذاتی و ارزش ابزاری و نمودهای عینی آن بر نحله های مختلف زیست محیطی و مسائل حقوقی ناشی از آن بود. براین اساس دیالکتیکی مداوم میان اخلاقیون و فلاسفه معتقد به ارزش ذاتی و رویکرد طبیعت محور با اقتصاددانان و غالب حقوقدانان پراگماتیست معتقد به ارزش ابزاری و رویکرد انسان محور وجود دارد. (هرچند به قطع نمی‌توان همه حقوقدانان و اقتصاددانان را در این جرگه قرار داد). در این مسیر به نظر می‌رسد با الهام از تعالیم مذهبی و اسلامی می‌توان به رویکردی جامع دست یافت که نه «آرمانگرایی احساسی» فلاسفه و اخلاقیون محیط زیست را داشته و نه «واقعگرایی انسان محور» خشن و خشک اقتصاددانان و حقوقدانان محیط زیست را که به دنبال حل مسائل بیرونی‌اند به همراه داشته باشد. و آن توجه به ارزش ذاتی طبیعت در فرآیند بهره‌مندی و استفاده انسان از منابع طبیعی و محیط زیست و تعامل آنها با هم است.

منابع

الف - فارسی و عربی

۱- بری، جان، ۱۳۸۰، محیط زیست و نظریه اجتماعی، ترجمه حسن پویان و نیره توکلی، سازمان

حفاظت محیط زیست، چ اول.

- ۲- بنسون، جان، ۱۳۸۲، **اخلاق محیط زیست**، مجموعه مقالات و بررسیها، ترجمه عبدالحسین وهاب زاده، انتشارات جهاد دانشگاهی مشهد، چ اول.
- ۳- بیر، توماس، ۱۳۸۵، «عصر اکوزوئیک»، **مجله سیاحت غرب**، مرکز پژوهشهای اسلامی صداوسیما، ش ۳۳، فروردین.
- ۴- ترنر، آر.ک. و دیگران، ۱۳۷۴، **اقتصاد محیط زیست**، ترجمه دکتر سیاوش دهقانیان، انتشارات دانشگاه فردوسی مشهد، چ اول.
- ۵- جان بلامی فاستر، ۱۳۸۱، **اکولوژی مارکس**، ماتریالیسم و طبیعت، ترجمه اکبر معصوم بیگی، نشر دیگر، چاپ اول.
- ۶- زمانی، سید قاسم، تابستان ۸۱، «توسعه مسئولیت بین المللی در پرتو حقوق بین الملل محیط زیست»، **نشریه حقوقی شهر دانش**، ش ۱.
- ۷- فتحی و اجارگاه، کوروش، محسن فرهنگی فراهانی، ۱۳۸۲، **دانش زیست محیطی زنان برای توسعه پایدار**، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چ اول.
- ۸- کزازی، مجتبی، زمستان ۷۲، «معرفی و بررسی مقدماتی کمیسیون غرامات سازمان ملل متحد»، **مجله حقوقی**، دفتر خدمات حقوقی بین المللی، ش ۱۶.
- ۹- مجنونیان، باریس هنریک، ۱۳۸۴، **تقریرات درس حفاظت از محیط زیست**، دوره کارشناسی ارشد حقوق محیط زیست، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۰- زمخشری، محمود، ۱۴۰۷هـ.ق، **الکشاف عن حقایق غوامض التنزیل**، دار الکتب العربی، ج ۳.
- ۱۱- طباطبایی، محمد حسین، ۱۴۱۷هـ.ق. پ، **المیزان**، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۱۲- فیض الاسلام، ۱۳۷۳، **نهج البلاغه**، مشهد.
- ۱۳- محمد بن احمد الانصاری القرطبی، ۱۴۰۵هـ.ق، **الجامع الحکام القرآن**، موسسه التاریخ العربی، ج ۳.
- ۱۴- محمد بن حسن ابن علی، (شیخ حر عاملی)، ۱۴۰۹هـ.ق، **وسایل الشیعه**، موسسه آل البيت ج ۵، باب ۸.
- ب- لاتین

15-Alain de Benoist , La nature et sa « valeur intrinsèque » , sur:
http://www.alaindebenoist.com/pdf/la_nature_et_sa_valeur_intrinseque.pdf

- 16- Catherine Roche'2006, *Droit de l'environnement* , Gualino editeur.
- 17- Chantal Cnsde et al,2008, *Code de l'environnement* , Dalloz,11^e édition.
- 18- Dalil Boubakeur, 2mars2001 « L'Islam et l'environnement» , *Conférence du G8, Triest – Italie*.
- 19-Delord. J ,2008, «La recherche écologique à l'épreuve de la philosophie de l'environnement» , *Reveu Labyrinthe-Atelier interdisciplinaire* , n°29.
- 20-Drengson, Alan, Summer 1997, «An Ecophilosophy Approach, the Deep Ecology Movement, and Diverse Ecosophies » , *Journal of Ecosophy*, Vol 14, No. 3.
- 21-J. Baird Callicott, Spring 1995, « Intrinsic value in Nature: a Metaethical Analysis», *The Electronic Journal of Analytic Philosophy*.
- 22- Kiss,Alexandre,2004, *Droit international de l'environnement*, Pedone,13^e ,Paris.
- 23- Michel Leblanc DesNeiges, «La philosophie éthique: Michel Leblanc DesNeiges au service de l'environnement? » , *Fondation Médias Verts*.
- 24-Prieur,Michel, 1 Juin 2008, "Vers un droit de l'environnement renouvelé" , *Cahiers du Conseil constitutionnel* .
- 25-Yves Jegouzo , "La Constitution et l'environnement", Études et doctrine *Cahiers du Conseil constitutionnel* , n° 15 sur <http://www.conseil-constitutionnel.fr/cahiers/cc15/env1.htm>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی